**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب :**

[حد سرقت 2](#_Toc428162850)

[مرحله سوم: حبس 2](#_Toc428162851)

[اقوال عامه در این مقام 2](#_Toc428162852)

[جمع‌بندی 3](#_Toc428162853)

[مستندات مرحله سوم 3](#_Toc428162854)

[روایت اول 3](#_Toc428162855)

[بررسی روایت 3](#_Toc428162856)

[روایت دوم 4](#_Toc428162857)

[روایت سوم 4](#_Toc428162858)

[روایت چهارم 5](#_Toc428162859)

[روایت پنجم 5](#_Toc428162860)

[روایت ششم 5](#_Toc428162861)

# حد سرقت

# مرحله سوم: حبس

در جلسه قبل در قبال مرحله اول و دوم که قطع ید و رجل بود، مباحثی مطرح شد، روایات موردبررسی قرار گرفت و به اختلافاتی که در مقدار قطع ید یا رجل وجود داشت پرداخته شد.

اما پس‌ازاین دو مرحله، مرحله سوم یعنی حبس است، در بین امامیه تقریباً بلکه تحقیقاً اختلافی وجود ندارد که اگر یک‌بار شهود شهادت دادند و دست قطع شد بار دوم شهادت دادند و پا قطع شد بار سوم اگر شهود اقامه شد یا اقرار کردند، حکم حبس ابد خواهد بود.

# اقوال عامه در این مقام

در مغنی ابن قدامه صفحه دویست و شصت‌وهفت است که اگر مجدداً تکرار کرد بعد از دست راست و پای چپ، بار سوم برای حد دیگر متعرض دست یا پا نمی‌شوند بلکه فرد حبس می‌شود.

در عامه در این قبال دو قول است؛ رأی اول که بار سوم حبس است و دست‌وپایش قطع نمی‌شود مشهور به رأی امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. قول دیگر این است که برخی به قتل و برخی به تعزیر و حبس قائل شده‌اند. که قول تعزیر و حبس از طرف احمد بن حنبل نقل‌شده است.

# جمع‌بندی

در حقیقت در بین عامه سه قول وجود دارد؛ یکی اینکه بار سوم حبس بشود. دوم اینکه بار سوم دست چپ قطع می‌شود و بار چهارم پای راست و بار پنجم تعزیر و حبس است. این قول دوم، قول سوم اینکه بار سوم دست چپ قطع می‌شود، بار چهارم پای راست و بار پنجم کشته می‌شود.

## مستندات مرحله سوم

## روایت اول

سند روایت معتبر است؛

**«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ: إِذَا أُخِذَ السَّارِقُ قُطِعَتْ یدُهُ مِنْ وَسَطِ الْکفِّ فَإِنْ عَادَ قُطِعَتْ رِجْلُهُ مِنْ وَسَطِ الْقَدَمِ فَإِنْ عَادَ اسْتُودِعَ السِّجْنَ فَإِنْ سَرَقَ فِی السِّجْنِ قُتِلَ.» [[1]](#footnote-1)**

## بررسی روایت

 اگر دو دفعه انجام داد بار سوم در زندان سپرده می‌شود. و بار چهارم در زندان اگر سرقت کرد کشته می‌شود. البته قید «**فِی السِّجْنِ»** قید غالبی است نه قید احترازی و معنایش این نیست که اگر بار چهارم از زندان فرار کرد و باز دزدی کرد کشته نمی‌شود. به خاطر اینکه علی‌الاصول آدمی که در زندان است نمی‌تواند بیرون دزدی کند. والا سجن خصوصیتی در حکم ندارد.

## روایت دوم

در باب پنج هم احادیث دیگری است که همین مضمون را افاده می‌کند که ظاهراً سند معتبری داشته باشد که؛

**«ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَیسٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَضَی امیرالمؤمنین ع فِی السَّارِقِ إِذَا سَرَقَ قَطَعْتُ یمِینَهُ وَ إِذَا سَرَقَ مَرَّةً أُخْرَی قَطَعْتُ رِجْلَهُ الْیسْرَی ثُمَّ إِذَا سَرَقَ مَرَّةً أُخْرَی سَجَنْتُهُ وَ تَرَکتُ رِجْلَهُ الْیمْنَی یمْشِی عَلَیهَا إِلَی الْغَائِطِ وَ یدَهُ الْیسْرَی یأْکلُ بِهَا وَ یسْتَنْجِی بِهَا وَ قَالَ إِنِّی لَأَسْتَحْیی مِنَ اللَّهِ أَنْ أَتْرُکهُ لَا ینْتَفِعُ بِشَی‌ءٍ وَ لَکنِّی أَسْجُنُهُ حَتَّی یمُوتَ فِی السِّجْنِ وَ قَالَ مَا قَطَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ سَارِقٍ بَعْدَ یدِهِ وَ رِجْلِهِ.»[[2]](#footnote-2)**

## روایت سوم

روایت دیگری در این زمینه در مغنی ابن قدامه و به اسناد عامه وجود دارد؛

**«روی سعید حدّثنا أبو معشر عن سعید بن أبی سعید المقبری عن أبیه قال حضرت علی بن أبی طالب رضی الله عنه اتی برجل مقطوع الید و الرجل قد سرق فقال لأصحابه ما ترون فی هذا؟ قالوا: اقطعه یا امیرالمؤمنین، فقال: قتلته إذاً و ما علیه القتل بأی شی‌ء یأکل الطعام؟ بأی شی‌ء یتوضّأ للصلاة؟ بأی شی‌ء یغتسل من جنابته؟ بأی شی‌ء یقوم علی حاجته؟ فردّه إلی السجن أیاماً ثمّ أخرجه فاستشار أصحابه فقالوا مثل قولهم الأوّل و قال لهم مثل ما قال أوّل مرّة»[[3]](#footnote-3)**

حضرت فرمود: اگر دستش را قطع کنند مثل مرده است دیگر زندگی ندارد. این روایت دومی است که حدیث اول باب پنج بود.

## روایت چهارم

 حدیث دوم این باب باز روایت معتبره ای است که امام باقر (ع) می‌گوید:

**«حُمَیدُ بْنُ زِیادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَیرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: کانَ عَلِی ص لَا یزِیدُ عَلَی قَطْعِ الْیدِ وَ الرِّجْلِ وَ یقُولُ إِنِّی لَأَسْتَحْیی مِنْ رَبِّی أَنْ أَدَعَهُ لَیسَ لَهُ مَا یسْتَنْجِی بِهِ أَوْ یتَطَهَّرُ بِهِ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ إِنْ هُوَ سَرَقَ بَعْدَ قَطْعِ الْیدِ وَ الرِّجْلِ فَقَالَ أَسْتَوْدِعُهُ السِّجْنَ أَبَداً وَ أُغْنِی عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ.» [[4]](#footnote-4)**

## روایت پنجم

روایت سوم باب پنج که حدیث معتبری است، این‌گونه است که؛

**«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَینِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَیدٍ عَنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ سَرَقَ فَقَالَ سَمِعْتُ أَبِی یقُولُ أُتِی عَلِی ع فِی زَمَانِهِ بِرَجُلٍ قَدْ سَرَقَ فَقَطَعَ یدَهُ ثُمَّ أُتِی بِهِ ثَانِیةً فَقَطَعَ رِجْلَهُ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ أُتِی بِهِ ثَالِثَةً فَخَلَّدَهُ فِی السِّجْنِ وَ أَنْفَقَ عَلَیهِ مِنْ بَیتِ مَالِ الْمُسْلِمِینَ وَ قَالَ هَکذَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا أُخَالِفُهُ.»[[5]](#footnote-5)**

## روایت ششم

حدیث بعدی هم حدیث پنجم باب است که آن‌هم مرسله است؛

**«عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا یخَلَّدُ فِی السِّجْنِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ الَّذِی یمَثِّلُ وَ الْمَرْأَةُ تَرْتَدُّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ السَّارِقُ بَعْدَ قَطْعِ الْیدِ وَ الرِّجْلِ.»[[6]](#footnote-6)**

روایات دیگری نیز در این زمینه حتی در میان عامه وجود دارد که حبس ابد در مرحله چهارم را به استفاضه رسانده است. روایت مخالفی نیز با این حکم وارد نشده است. و باید توجه داشت که ملاک از دفعات در اینجا دفعات سرقت نیست بلکه دفعات ثبوت عند الحاکم است و عامه نیز به همین امر قائل هستند.

1. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 223** [↑](#footnote-ref-1)
2. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 223** [↑](#footnote-ref-2)
3. **السرقة علی ضوء القرآن و السنة؛ ص: 340** [↑](#footnote-ref-3)
4. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 222** [↑](#footnote-ref-4)
5. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 223** [↑](#footnote-ref-5)
6. **الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 270** [↑](#footnote-ref-6)